



حکایتی درباره امام جواد(ع) - مرگ ناگهانی و اهمیت صلوات

مرحوم قطب الدین راوندی رضوان الله تعالی علیه به نقل از ابوهاشم جعفری حکایت نماید:

مرحوم قطب الدین راوندی رضوان الله تعالی علیه به نقل از ابوهاشم جعفری حکایت نماید:

روزی شخصی به محضر مبارك حضرت ابوجعفر، امام محمد جواد علیه السلام وارد شد و اظهار داشت : یا ابن رسول الله ! پدرم سخته کرده و مرده است و دارای اموال و جواهراتی بسیار می باشد، که من از محل آن ها بی اطلاع هستم .

و من دارای عائله ای بسیار سنگین هستم ، که از تاءمین زندگی آن ها عاجز و ناتوان می باشم .

و سپس اظهار داشت : به هر حال من یکی از دوستان و علاقه مندان به شما هستم ، تقاضا مندم به فریاد من بررسی و مرا از این مشکل نجات دهی .

امام جواد علیه السلام در پاسخ به تقاضای او فرمود: پس از آن که نماز عشاء خود را خواندی ، بر محمد و اهل بیتش علیهم السلام ، صلوات بفرست .

پس از آن ، پدرت را در عالم خواب خواهی دید؛ و آن گاه تو را نسبت به محل ثروت و اموالش آگاه می نماید.

آن شخص به توصیه حضرت عمل کرد و چون پدر خود را در عالم خواب دید، به او گفت : پسر من ! من اموال خود را در فلان مکان و فلان محل پنهان کرده ام ، آن ها را بردار و نزد فرزند رسول خدا، حضرت ابوجعفر، امام محمد جواد علیه السلام برسان .

هنگامی که آن شخص از خواب بیدار گشت ، صبحگاهان به طرف محل مورد نظر حرکت کرد.

و چون به آن جا رسید، پس از اندکی جستجو اموال را پیدا نمود و آن ها را برداشت و خدمت امام جواد علیه السلام آورد و جریان را برای حضرت بازگو کرد.

و سپس گفت : شکر و سپاس خداوند متعال را، که شما آل محمد علیهم السلام را این چنین گرامی داشت ؛ و از شما را از بین خلائق برگزید، تا مردم را از مشکلات و گرفتاری ها نجات بخشید.